

نگاهی به احوال و آثار شیخ علی حزین

شمیم الحق صدیقی*

شاعر شهیر و نویسنده برجسته ما به نام «علی حزین» معروف است. این نام، مرگب از دو جزء است: اول علی - نام عامش، و دوم حزین - تخلصش؛ البته این نام، شامل نام اصلی اش محمد نیست که تمام آثارش را بدان امضا می کرد؛ بنابراین اشتباه بارزی است که مصنف مرآت آفتاب^۱ وی را علی می خواند. نویسندگان مجمع الفصحا^۲ و تحفة العالم^۳ از وی به نام «محمد علی» یاد می کنند. پس نام کاملش می شود محمد علی. اسم پدرش ابوطالب بود و وی ادعا می کرد که سلسله نسبش به شیخ تاج الدین ابراهیم، معروف به «زاهد گیلانی» می رسد.^۴ شیخ محمد علی تخلص خود «حزین» را که نشان دهنده زندگی غمناکش است، از شیخ خلیل الله گرفته بود. خلیل الله گاهی شعر می سرایید و بعضی اوقات از حزین می خواست از برخواند.^۵ بنا بر گفته خود حزین، وی روز دوشنبه، بیست و هفتم ربیع الآخر سال ۱۱۰۳ هجری در اصفهان پا به عرصه وجود گذاشت.^۶

* رئیس بخش فارسی دانشکده ذاکر حسین، دانشگاه دهلی، دهلی نو.

۱. شاهنواز خان، عبدالرحمن هاشمی بنبانی دهلوی، مرآت آفتاب نما (نسخه خطی)، شماره ۳-۳۲، مجموعه

فارسی گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر، ورق ۱۶۳.

۲. رضا قلی خان، هدایت: مجمع الفصحا، ص ۹۴.

۳. عبداللطیف شوشتری: تحفة العالم، ص ۵۱۸.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۴.

۵. همان، ص ۱۲.

۶. همان، ص ۱۰.

خانواده حزین اصلاً در استرآباد زندگی می‌کردند تا اینکه یکی از نیاکانش شیخ شهاب‌الدین علی در لاهیجان، شهر قشنگ گیلان، سکنا گزید و از آن به بعد، لاهیجان اقامتگاه دائمی نیاکان حزین گردید.^۱ بنابراین حزین را لاهیجی یا لاهیجانی به اضافه الزاهدی و الجیلانی و نیز اصفهانی می‌خواندند؛ البته در نگارستان فارس^۲ اشتباهاً قزوینی خوانده‌اند.

حزین ابتدا از پدرش تعلیم گرفت. سپس از محضر ملا شاه محمد شیرازی - که به اصفهان آمده بود - استفاده کرد. در عرض دو سال، حزین قادر بود ساده بخواند و بنویسد. وی تعدادی از کتابهای منظوم و منثور فارسی را مطالعه کرد و دستور زبان و فقه را یادگرفت و بعداً منطق را آموخت.

حزین شعرگویی را از سنین کم آغاز نمود و به سن شش تا هفت سالگی توانست ابیاتی چند بسراید. پدر حزین که می‌خواست به پسرش ادبیات اسلامی بیاموزد نگذاشت وی شعر بسراید. حزین هم با او مخالفت کرد.^۳ اما شاعر آتیه، استعداد شعرگویی خود را نشان داد و توجه‌اش را بدان مبذول داشت و مخفیانه شعر می‌گفت.

بعداً شیخ خلیل الله طالقانی او را تشویق کرد و پدر حزین هم به او اجازه داد؛ چون روزی هنرش را هنگام فی البداهه سرودن چکامه‌ایی عالی در حضور عده‌ایی از دانشوران دید که مورد ستایش حضار قرار گرفت.^۴

حزین در آثار مهمش، نظیر تذکرة الاحوال، تذکرة المعاصرین و رساله در فهرست استادان و تصنیفات خویش، هیچ‌کسی را استاد خود ذکر نمی‌کند. مصحفی^۵ نیز می‌گوید که حزین در شعرگویی هیچ استادی نداشت. بنابراین نمی‌توانیم بیانات حسین قلی

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۴؛ شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو، ص ۹.

۲. آزاد دهلوی، شمس‌العلماء مولانا محمد حسین: نگارستان فارس، دهلی، ۱۹۹۲ م، ص ۲۲۶.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۱-۱۰: «چون استاد مطلع شد، مرا از آن منع نمود».

۴. همان، ص ۱۵.

۵. مصحفی همدانی امروزی، شیخ غلام: عقد ثریا، تصحیح مولوی عبدالحق (علیگ)، دهلی، ۱۹۳۴ م، ص ۱۲.

خان^۱ و توماس ویلیام بیل^۲ را تصدیق کنیم که حزین سرودن شعر درست را از مولانا محمد مسیح فسایی آموخت؛ البتّه حزین^۳ خودش می‌گوید که منطق، ستاره‌شناسی، علم حساب، فیزیک، الهیات و غیره را از مولانا محمد مسیح یاد گرفت، اما شعر را ذکر نمی‌کند. مولوی محمد علی^۴ و افتخار^۵ صرفاً می‌گویند که حزین شاگرد محمد مسیح فسایی بود.

حزین عارف بود و عرفان، مشخص‌ترین جنبه شعر اوست. تمایلات عرفانی او از کودکی آشکار بود؛ زیرا وی از رادمردی مثل شیخ خلیل الله طالقانی تعلیمات ابتدایی خود را گرفت. به‌علاوه وی آثار عده‌ایی از شعرای صوفی را تعقیب و برخی از آنها را تقلید کرد. محیط مساعد هند استعداد نهفته‌اش را بیدار نمود و بالأخره اشعار عارفانه عالی خود را سرود.

بعد از سعدی هیچ‌کدام از فصحا با حزین برابری نکرده؛ نثرش بهتر از شعرش، و شعرش عالی‌تر از نثرش می‌باشد.

شعرش

بهترین انتقاد از شعر حزین را معاصرانش کرده‌اند، تمامی آنان از او فقط تمجید و ستایش می‌نمایند. تنها سراج‌الدین علی خان آرزو مستثناست که شعر حزین را به‌باد انتقاد می‌گیرد. ذکر حاکم لاهوری بی‌فایده است، چون وی کورکورانه از آرزو تقلید کرده؛ اما حتّی آرزو و حاکم، هر دو با احترام از حزین نام می‌برند. به‌علاوه، عقیده آرزو درباره حزین بسیار تعصّب‌آمیز است حاکم هم هیچ چیز تازه‌ای ندارد که راجع به شعر حزین ارائه نماید.

۱. عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (نسخه خطی)، شماره ۲۰۲۱، ورق ۵۴۵، آرشیو ملی هند، دهلی‌نو.

۲. توماس ویلیام بیل: مفتاح‌التواریخ، کانپور، ۱۲۸۴/هـ ۱۸۶۷ م، ص ۳۴۸.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپخانه نولکشور، لکهنو، ص ۹۴۳.

۴. احمد کلکنه‌ای، مولوی احمد علی بن آغا شجاعت علی: هفت آسمان (نسخه خطی)، انجمن آسیایی بنگال، ص ۱۶۲.

۵. افتخار بخاری دولت‌آبادی، سید عبدالوهاب: تذکرة افتخارالشعرا (نسخه خطی)، شماره ۵۱/۲۷، ورق ۵۴، گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر.

تذکره‌نویسان بعدی به‌طور سنتی ردپای پیشروان خود را دنبال کرده‌اند. مثلاً نویسندهٔ نغمهٔ عندلایب^۱ چنین ابراز نظر می‌کند:

”بعد از سعدی هیچ‌کدام از فصحا با حزین برابری نکرده؛ نثرش بهتر از شعرش، و شعرش عالی‌تر از نثرش می‌باشد.^۲ در تمام اصناف سخن مانند: قصیده، مثنوی، غزل، رباعی، واسوخت یا هزل، حزین شعر را از فرش به‌عرش رساند“^۳.

خرده‌گیری شیروانی از شعر حزین معتبر، اما متأسفانه آن هم بسیار مبهم و مختصر است. به‌قول او، حزین همقطار استادان مقبول غزل می‌باشد. اما مثنوی وی را در حد پایین قرار می‌دهد، و خود حزین را در ردهٔ دوازدهمین گروه شعرا می‌گذارد.^۴ بهترین انتقاد از شعر حزین وحشت کرده است که در مجلهٔ مخزن شمارهٔ ژوئیه ۱۹۰۹ میلادی منتشر گردید. طبق آن^۵:

”میدان مخصوص حزین غزل و رباعی بود که وی در آن به‌حد کمال رسید. شیوهٔ شعرش شایستهٔ غزل و قابل تقلید و مملو از عمق اندیشه، شفافیت گفتار و ساختار، لطافت الفاظ، ذوق و شوق، سوز و گداز، غم و اندوه، گفتگوی عشق و عرفان می‌باشد که به‌اندازهٔ زیادی به‌ارزش آن افزوده است“.

غزل حزین تمام ویژگی‌های غزلیات حافظ، سعدی و جامی را دارد. افکار حزین عالی و زبانش صاف و شیرین است. مثلاً یک غزل عالی^۶ او با این بیت شروع می‌شود: چشمم گشوده است در فیض نوبهار از داغ ریخته است دلم طرح لاله زار

۱. نجم پتته‌ای، محمد رضا بن ابوالقاسم طباطبا: نغمهٔ عندلایب (نسخهٔ خطی)، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۳، ص ۹۷۸.

۲. طبق آرایش محفل، تألیف میر شیر علی افسوس خوافی، چاپ کلکته، ص ۸۸: ”حزین در نثر و نظم بالترتیب برابر با ظهوری و نظیری است“.

۳. نجم پتته‌ای، محمد رضا بن ابوالقاسم طباطبا: نغمهٔ عندلایب (نسخهٔ خطی)، ورق ۶۶ ب.

۴. شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو، ص ۵-۳۴.

۵. مجلهٔ مخزن، لاهور، شمارهٔ ژوئیه ۱۹۰۹ م، ص ۳-۱۲.

۶. آفاق: تذکرهٔ حزین، ص ۳۱.

قصاید حزین مخصوص حمد خداست. حزین نیز برخی از قصاید خاقانی را تقلید کرده، اما در استعارات نوین و اظهارات متین پس مانده است. قصیده‌ایی که با این مصرع شروع می‌شود:

شد جان و هوش و صبر و خرد را ز کار دست

در همان بحر قصاید کمال اصفهانی و سلمان ساوجی سروده شده است، چنانکه خودش می‌گوید^۱:

در بحر این قصیده بسی غوطه زد کمال اما ندادش این گهر شاهوار دست

*

سلمان بسی به چشمه فکرت فشرد پای اما نیافت بر سخن آبدار دست
حزین در *ودیعة البدیعة، حدیقة الحقیقة* را تقلید کرده، اما نتوانسته است داد آن را بدهد. به علاوه خرابیات او به طرز بوستان سعدی نوشته شده؛ اما به قول شیروانی^۲ کمتر از آن است.

طرز بیان حزین غالباً ساده است؛ چون وی مرد مذهبی و عالم ادبیات عربی بود و لغت غنی و پرمعنی‌اش مرهون و مدیون آن است. این امر از *تذکرة الاحوال* وی واضح است. حزین از الفاظ فارسی جمع عربی می‌سازد. مثلاً *سردسیرات* و *گرمسیرات* و جمع عربی را در فارسی جذب می‌کند، مثل شهرهای معتبره. مشخصه دیگر او، کاربرد بعضی واژه‌های هندی است که بین شعرای ایرانی معاصرش در هند عموماً به کار می‌رفتند^۳.

در ایران و هند، هر دو حزین را به دلیل نجابت، تقدس و دانشوری‌اش محترم می‌شمردند. هر چند وی اغلب وقت خود را با بزرگان نوابان و نجیبان می‌گذراند، هیچ قصیده‌ای در مدح آنان نگفت. در تمام کلیات، حتی بیتی به مدح پادشاه یا نجیبی یافت

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، چاپ لکهنو، ص ۱۷۹.

۲. شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو، ص ۳۴.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: *تذکرة الاحوال*، ترجمه ام. سی. ماستر (مقدمه)، بمبئی ۱۹۱۱ م، ص ۴.

نمی‌شود^۱ و اغلب قصیده‌هایش در ستایش ائمه است. حزین در قصیده‌ای خطاب به پدرش این امر را تأیید و علتش را بیان می‌کند:^۲

نراندم به‌مدح بزرگان قلم ز فرماندهان عرب یا عجم
مگر مدح پیغمبر و آل او که هر کس بگوید خوشا حال او
اگر سود دنیا غرض داشتم وگر از طمع دانه می‌کاشتم
تفاخرکنان، سروران جهان خریدار بودند شعرم به‌جان
زبان می‌گشودم به‌نام یکی شکر می‌فشاندم به‌کام کسی
نبودی دریغ از منش ملک و مال ولی بود بر همت من وبال
به‌گردون نیامد سر من فرود مرا یک جبین‌ست و یک جا سجود

از آنجا که حزین شاعر درباری نبود، خود را برتر می‌شمرد از:^۳

خاقانی شروانی:

نقش همت نگر که خاقانی زیر پای قزل سراندازد

ظهیر فاریابی:

لوح از حدیث غیر نوشتیم نیم ظهیر تا خامه‌ام طراز قزل ارسلان دهد

سلمان ساوجی:

سلمان نیم که خامه معنی نگار من آرایش جریده یونانیان دهد

به‌علل سیاسی بود که حزین ایران را به‌قصد هند ترک کرد. بنا بر گفته خودش، وی مظنون دست داشتن در شورش مردم لار بود که به‌قتل فرماندار لار، ولی محمد خان شاملو منجر شد که نادر شاه او را منصوب کرده بود. از طرف دیگر، واله داغستانی^۴ حزین را در بندرعباس گذاشته و به‌هند رسید، اما بعد از ده روز حزین هم در تنه در استان سند در هند آن زمان همسفرش شد و به‌او گفت که همان رویداد اقامتش را در ایران ناممکن کرده است و وی عازم هند شد.

۱. عشرت هندی، دُرگا داس: سفینه عشرت (نسخه خطی)، شماره ۶۹۹، ورق ۱۸۸ الف، گنجینه بانکی‌پور،

کتابخانه خدابخش، پتنا، نیز متوجه این نکته شده است.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۸۰۴.

۳. همان، ص ۷-۱۸۶.

۴. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض‌الشعرا (نسخه خطی) مرتبه عبدالسلام، شماره ۶۹۳، ورق ۱۰۴.

حزین در دهم رمضان ۱۱۴۶ هـ ق، در عهد محمد شاه، از بندر عباس به قصد هند سوار کشتی شد^۱ و در اوائل شوال ۱۱۴۶ هـ ق وارد تته گردید. سپس از شهرهای مختلف هند شامل پایتخت، دهلی، در اواخر سال ۱۱۴۹ هجری دیدن کرد و بالأخره شهر مقدس هندوان، بنارس^۲ را که خیلی دوست داشت، به عنوان اقامتگاهش برگزید^۳. از بنارس نروم معبد عام است اینجا هر برهمن، پسر لچهمن و رام است اینجا حزین در نیمه شب یازدهم جمادی الاولی ۱۱۸۰ هجری جان به جان آفرین سپرد و در فاطمیان مدفون شد. وی خودش آرامگاهش را در دوره زندگانی اش، ساخته بود. از میان نویسندگان ماده تاریخ، میر غلام علی آزاد بلگرامی به مناسبت درگذشت حزین، این ماده تاریخ را نوشت^۴:

علامه عصر و شاعر خوب افسوس که از میانه برخاست
تاریخ وفات او نوشتم از فوت حزین، حزین دل ماست

آثار منظومش

حزین تعدادی آثار منظوم داشته است که اغلبشان نابود شده است. بنابراین اینجا فقط آنهایی را متذکر می شویم که موجودند و یا مهم اند:

کلیات حزین

کلیات حزین^۵ اثر قطوری است که مرگب از دیوان چهارمش - غزلیات، مثنویات، قطعات و غیره - می باشد.

۱. افسوس خوافی، میر شیر علی: آرایش محفل، تصحیح سید حیدر بخش حیدری، چاپ کلکته، ص ۸۸.
۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۱۶.
۳. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان: نشر عشق (نسخه خطی)، شماره ۷۱۶، بانکی پور، ورق ۵۴۸.
۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۱۰۳۱.
۵. تقریباً تمام تذکره نویسان و تاریخ نویسان بر سر این تاریخ متفق اند، به استثنای عده ای اندک، مثلاً بهگوان داس هندی لکهنوی، در سفینه هندی، نسخه خطی، شماره ۷۱۵، ورق ۲۳ الف، گنجینه بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا، می گوید: "حزین در ۱۱۷۸ هـ ق درگذشت".
۶. آزاد بلگرامی، میر غلام علی: خزانه عامره، کانپور، ۱۸۷۱ م، ص ۲۰۰.
۷. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، چاپ لکهنو.

دیوان اول^۱

اولین دیوانی که از بین رفت مشتمل بر چکامه‌ها، مثنویات، قصاید و رباعیات بود هفت یا هشت هزار بیت داشت. تاریخ دقیق تدوین آن دیوان معلوم نیست.

دیوان دوم

حزین دومین دیوانش را که همچنین نابود شده است، قبل از درگذشت پدرش، در سال ۱۱۲۷^۲ هجری در اصفهان تدوین نمود. آن دیوان دارای ده هزار بیت بود.

دیوان سوم

در شیراز، حزین ابیاتش را گرد آورد و سومین دیوانش را ترتیب داد که به نظر می‌رسد معدوم است. تاریخ دقیق تدوین آن معلوم نیست. با وجود این حزین این کار را در ۱۱۲۹ تا ۱۱۳۴ هجری انجام داد؛ زیرا می‌دانیم که وی بعد از درگذشت پدرش، در سال ۱۱۲۹^۳ هجری به شیراز مهاجرت کرد و پس از اتمام دیوان، کمی قبل از آغاز سال ۱۱۳۴^۴ هجری به اصفهان برگشت. آن دیوان سه چهار هزار بیت داشت.

دیوان چهارم^۵

حزین در چهارمین دیوانش ابیاتی را گردآورد که در دیوانهای قبلی‌اش نبودند، چنانکه خود می‌گوید:^۶

”و چون دامنی از گهرهای یتیم در آن سه عقد شاهوار درنیامده، پریشان و ریخته بود، سلطان وقت، خازن اندیشه را به‌انتظام آن گماشته در این دُرّج گرانی گذاشت.“

۱. آروی، مجله نگار، شماره فوریه ۱۹۳۰ م، ص ۳۱، اشتباهاً بیان می‌کند که حزین پنج دیوان تدوین نمود. اما فقط دو دیوان اول و دوم را توصیف می‌نماید.
۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ص ۶-۷.
۳. همان، ص ۴۹.
۴. همان، ص ۵۲.
۵. حدیقة الافصح، ص ۴۴۶، فقط ذکر همین دیوان را می‌کند. یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین نسخ این دیوان که آراسته از طلاکاری زیادی است، نسخه خطی کتابخانه رضا، رامپور، شماره ۲۱۳ مرتبه باقر بن ابوتراب است. این نسخه به‌حزین تقدیم شده بود که اصلاحش کرد و برخی از آخرین ابیاتش را در حاشیه آن نوشت.
۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۴۷.

وی این مواد پراکنده را در دوران اقامتش در مشهد جمع کرد که پس از فتح آن به دست شاه تهماسب در سال ۱۱۴۰ هجری به آنجا رسید^۱ و آنجا را در صفر ۱۱۴۲ هجری ترک کرد^۲. پس سال ۱۱۴۰ هجری، تاریخ گردآوری آن است؛ زیرا وی تدوینش را در آغاز ورودش به مشهد شروع کرد^۳:

در ایران و هند، هردو حزین را به دلیل نجابت، تقدس و دانشوری اش محترم می‌شمردند. هر چند وی اغلب وقت خود را با بزرگان نوابان و نجیبان می‌گذراند، هیچ قصیده‌ای در مدح آنان نگفت. در تمام کلیات، حتی بیتهای به مدح پادشاه یا نجیبی یافت نمی‌شود و اغلب قصیده‌هایش در ستایش ائمه است.

”و چون با آنکه دو نوبت یا سه نوبت اشعار این ضعیف در حیطة جمع و تألیف درآمده، بسیاری از مسودات مهجور و ابتر گشته. نکته‌سرایان آشنا و رموز دانایان کتاب مهر و وفا خواستند که چند بیت پریشانی که بود نیز به جمع و تألیف گراید. لهذا در تحریر ترتیب شروع افتاد.“

حزین ترتیب مذکور را در ۱۱۵۵ هجری تکمیل کرد. چنانکه خودش می‌گوید^۴:

هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بود که گشت نسخه دیوان چهارمین سپری آن دیوان مرکب از قصیده‌ها، چکامه‌ها، رباعی‌ها و غیره بود و جمعاً در حدود یکهزار بیت داشت. به قول حسین دوست^۵، نسخه‌ای که وی دیده است، تقریباً بیست هزار بیت داشت که مبالغه‌آمیز می‌نماید، وقتی کل تعداد ابیاتی که حزین سرود سی هزار نبود^۶:
تا قرب سی هزار ز اشعار دلفریب بر صفحه زمانه نوشتیم یادگار

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۸۰-۷۹.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: دیوان حزین (نسخه خطی)، مرتبه عبدالسلام، شماره ۱۰۳-۸۶۶، ورق ۱ الف-۱ ب، کتابخانه لیتون.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۴۹.

۵. حسینی سنهلی مرادآبادی، محمد حسین دوست، تذکره حسینی، لکهنو، ۱۸۷۵ م، ص ۱۰۸.

۶. همان، ص ۱۴۹.

سپس بالغ بر سی هزار شد^۱:

سی هزار است در چهار کتاب نظم کلک بدیع آثاری

ابیات بعدی‌اش، که بعد از انتشار چهارمین دیوان سروده شدند، در نسخ خطی متعدد دیوان چهارم محفوظ و در تاریخهای مختلفی تدوین شده است. از نظر تعداد ابیات نیز در نسخ مختلف از هم جداست.

آن دیوان، تنها دیوان حزین است که در هند منتشر شده و موجود است. دیوان حزین را که جزوی از کلیات اوست و چاپخانه نولکشور منتشر کرده است، نسخه‌ای معتبر، اما ناتمام است؛ چون بسیاری از ابیات آن حذف شده‌اند.

اگر نسخه کاملی از دیوان تهیه شود، شاید در آن ابیاتی باشد که تا سال ۱۱۸۰ هجری سروده شده‌اند؛ زیرا قلم حزین تا دم آخر، هیچ گاه آرام نگرفت.

امروزه در هند، حزین را به دلیل چکامه‌های عالی‌اش می‌شناسند؛ اما وی در زندگانی‌اش شعرگویی را عیبی می‌دانست که کمالات دیگرش را تحت الشعاع قرار داده بود^۲:

طرفی از شهرت و شعر که بستم اینست که سخن، قدر مرا کرد به‌عالم مستور

ذلت شعر فرو بُرد مرا در دل خاک زیر این گردِ کسادی شده‌ام زنده به‌گور

تا جایی که به‌ایران مربوط است، این مطلب مخزن‌الغرایب^۳ را باید ملاحظه کرد:

«اکثر رفقای من که از مام میهن، ایران، به‌هند آمده‌اند، می‌گویند که اشعار شیخ را در میهن

دوست ندارند. چه عجب! علت این تنفر در برابر شیرینی و سادگی شعرش چیست؟»

چمن و انجمن^۴

این مثنوی دو مرتبه نوشته شد؛ اثر قبلی از بین رفت. در کلیات حزین، آن را از صفحه ۸۲۳ تا ۸۳۸ درج کرده است و شروع می‌شود با:

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: دیوان حزین، کتابخانه لیتون.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۹۰۸.

۳. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان: مخزن‌الغرایب (نسخه خطی)، شماره ۵۴۷، ورق ۲۶۲ الف، کتابخانه‌های پادشاهان اوده، کلکته.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: مثنویات حزین در مجموعه خوبی به‌نام مثنویات من جمله حزین (نسخه خطی)، شماره ۱۲۴، کتابخانه کالج کینگ محفوظ است.

به نام آنکه آذر را چمن ساخت دل دوزخ شر را انجمن ساخت
در نسخه خطی چمن و انجمن^۱ موجود در کتابخانه آصفیه، تاریخ نگارش آن، سال
۱۱۵۵ هجری ذکر شده است.

خرابات

مثنوی دیگری که دو مرتبه تدوین شد. اثر قبلی که اشاره اش در تذکرة الاحوال^۲ آمده است، به سبک بوستان سعدی سروده شده بود. حزین همزمان با دیوانش به تدوین آن در مشهد پرداخت. فقط یک هزار و دویست بیت مثنوی در آن درج شده بود، اما هیچ گاه به تکمیل نرسید. ۷۲ بیت آن در تذکرة الاحوال^۳ نوشته شده که محتوی سیزده بیت، علاوه بر آنهایی است که در کلیات حزین^۴ آورده شده است. خرابات با این بیت شروع می شود:

ثناهاست پیر خرابات را که شُست از دلم لوٹ طامات را

صفیر دل

مثنوی ای که حزین در هفتاد سالگی سرود. تاریخ ۱۱۷۳ هجری در پایان این مثنوی نوشته شده است:

نی سوره تاریخ اتمام یافت قلم با صفیر دل انجام یافت

۱۱۷۳ هجری

چاپ سنگی اش در چاپخانه نولکشور لکهنو انجام شده است و ۷۹۱ تا ۸۲۲ صفحه از کلیات را تشکیل می دهد. نسخه خطی مجموعه کرزن^۵ که در عظیم آباد نوشته و به دست یک نفر نند لعل نقل شده است، مورخ بیست و هفتم محرم ۱۱۷۵ هجری است. اینجا چند بیت از صفیر دل به طور نمونه آورده می شود:

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: چمن و انجمن (نسخه خطی)، شماره ۱۵۴، کتابخانه آصفیه، حیدرآباد.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ص ۸۱

۳. همان، ص ۵-۱۸۱.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۶۱-۸۳۹.

۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: صفیر دل (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۲۹۹، ورق ۲۳ ب، انجمن آسیایی بنگال، جلد دوم.

ثناهای شایسته دلدار را سپاس فراوان ز ما یار را
 ثناهایی که عالی سیاستان کنند سیاسی که یزدان شناسان کنند
 به عجز و سرافکنندگی سر نهم به سر از گل سجده افسر نهم
 به خشکی چه بندم به افسوس سر طراوت دهم از زمین بوس لب
 زبان از ثنا نخل موسی کنم به یاد رخی سینه سینا کنم

تذکرة العاشقین

مثنوی‌ایی^۱ یک‌هزار بیت که دوازده بیت اولش در تذکرة الاحوال^۲ درج شده است. این مثنوی، اول در اصفهان، قبل از سال ۱۱۲۷ هجری و سپس در هند تدوین شد. در مقدمه آن و سه مثنوی دیگری که در موزه بریتانیا^۳ محفوظ هستند، حزین می‌گوید که پیشنویسهای اصلی‌شان در کشورهای مختلف پراکنده بود و حالا نمونه هر کدام از آنها را نوشته است تا آرزوی دوست نجیبی را در هند برآورد. چاپ سنگی آغاز و پایان مثنوی در لکهنو انجام شده است^۴ و با این مطلع شروع می‌شود:

ساقی ز می موحدانه ظلمت بر شرک از میانه

از مطالعه کلیات حزین استنباط می‌شود که حزین تذکرة العاشقین را بعد از چهل سالگی^۵ تدوین کرده است.

ودیعة البدیعة یا بدیعة الودیعة

مثنوی‌ایی^۶ که حزین به نمونه حدیقة الحقیقة سنایی، تقریباً در ۱۱۷۳ هجری سرود؛ زیرا در ورق پنجم نسخه خطی انجمن آسیایی بنگال، حزین می‌گوید که هنگام سرودن آن

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپخانه نولکشور، لکهنو، ص ۹۳۸.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۴۸.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة العاشقین (مثنوی) (نسخه خطی)، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۲، ص ۷۱۶.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۹۰۲-۸۸۹.

۵. همان، ص ۹۰۱، بعد از ۱۱۴۳ ه.ق:

چل سال ز عمر بی‌وفا رفت‌تن ماند ز جنبش و قوارفت

۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۳/۳۴، ورق ۶۶۳ الف، گنجینه حبیب گنج دانشگاه اسلامی علیگره.

تقریباً هفتاد ساله است. چون حزین در سال ۱۱۰۳ هجری چشم به جهان گشود، وی این مثنوی را باید در تقریباً ۱۱۷۳ هجری سروده باشد که با این بیت شروع می‌شود:

كُلُّمَّا فِي الْوَجُودِ لَيْسَ سِوَاهُ وَحَدُّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

صفحه آخر نسخه خطی بانکی پور^۲ مورخ نوزدهم ربیع الثانی ۱۱۷۸ ه است. قبل از تدوین مثنوی فعلی، حزین پنجاه هزار بیت سروده بود^۳.

بعد پنجاه هزار شعر گزین که درآمد به دفتر تدوین
عمر من در جوار هفتادست مشیت خالی مرا پُر از بادست

نشر

”در نشر، شیوه حزین صریح و صافست. در حالی که واژه‌هایش پاک از هر نوع تصنع است، جمله‌هایش کمترین استعارات را دارد. حزین طوری می‌نویسد که گویی گفتگو می‌کند، اما بعضی اوقات جمله‌هایش اینقدر طولانی می‌شوند که وحدت آنها را خراب می‌کند. مع‌هذا اسلوبش نه سخت و سنگین است و نه مصنوعی و مطمئن“^۴.
”وی پاکدل، مستقل مزاج، مهربان و میانه رو بود“^۵.

آثار منتشرش

حزین آثار منتشر زیادی از خود به‌جای گذاشته است. مثلاً رقعات حزین، رجم الشیاطین، دستورالعقلا، فرس‌نامه، رساله در خواص الحیوان، رساله در چگونگی مروارید، مفرح القلوب، تذکرة الاحوال، تذکرة المعاصرین و غیرهم. تفصیل تمام آنها در این مقاله ممکن نیست. بنابراین به توضیح برخی از آنها می‌پردازیم که بسیار مهم و معروف هستند بسنده می‌کنیم:

۱. همان.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، ورق ۲۴۹ ب- ۳۰۱ ب، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۳۴/۳، ورق ۶۶۳ الف، گنجینه حبیب گنج دانشگاه اسلامی علیگر.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمه ام. سی. ماستر، چاپ بمبئی، ۱۹۱۱ م، ص ۴.

۵. مجله مخزن، چاپ بمبئی، ص ۱۱.

رقعات حزین

مجموعه بیست و چهار رقعہ است کہ در دانشگاه پنجاب^۱ نگہ داشته شدہ است و بعضی از نخستین رقععات حزین را داراست. اغلب آنها از مناطق مختلف بہ دہلی ارسال شدہ اند. این مطلب، از نامہ ہفدہم بہ اثبات می رسد:

اطلاعات گرانبہا و مفصلی دربارہ وقایع تاریخ معاصر فراہم آورده است کہ در آثار دیگر بہ ندرت یافت می شود و قسمتی از کتاب مربوط بہ آخر عہد صفوی و اوج نادر شاہ است و اطلاعات دست اولی راجع بہ حملہ افغانہا و تسخیر اصفہان در سال ۱۱۳۵ ہجری دارد.

”چند کلمہ در جواب میرزا عبدالرحیم مرقوم است. مکرر مرقوم فرمودند کہ قاصد چنین و چنان از وقتی کہ مکتوبش ملفوف بہ تقویم رسید تا این وقت نوشتہ ازو نرسیدہ بود و مرا ہم حالت جواب نوشتن نشدہ. در این وقت دو کلمہ نوشتم، از قاصد و نامہ خود اینجا اثری نیست تا کدام صادق القول از صداقت کیشان دہلی چیزی بہ خدمت عرض کردہ باشد.“

این رقعہ نیز محتوی اسامی حاکم الملک سید عمادالدین خان صاحب، محمد طاهر خان صاحب و مولانا عبدالعزیز است کہ ذکرشان در اغلب رقععات دیگر ہم می شود. اینکہ این رقععات خطاب بہ شخص واحدی است از طرز همانندی خطا بہ ہویداست: ”صاحب والا مقام سلامت“. البتہ در چند مورد، حزین با این خطاب رقعہ را شروع می کند: ”جناب من“.

رجم الشیاطین

در جواب تنبیہ الغافلین شاعر سرشناس سراج الدین علی خان آرزو نوشتہ شدہ است^۲. سید محمد عبداللہ می گوید کہ حزین پیروان زیادی در ہند داشت و وارستہ یکی از آنها بود. پس وارستہ رجم الشیاطین را بہ تکذیب تنبیہ الغافلین آرزو نگاشت. اصلاً نویسندہ

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: رقععات حزین (نسخہ خطی)، شمارہ ۲۰، قسمت سوم، ورق ۶۸ ب- ۸۰ الف، دانشگاه پنجاب.

۲. رجوع شود بہ نگارستان فارس، تألیف شمس العلما محمد حسین آزاد، ص ۸-۲۱۳.

دانشمند، رجم الشیاطین حزین را با جواب شافی وارسته اشتباه گرفته و جواب شافی را رجم الشیطان خوانده است. وی کتاب را مضافاً توصیف کرده می‌افزاید:

”در گل رعنا کتابی به نام جواب شافی، منسوب به وارسته است. شاید رجم الشیطان و جواب شافی دو نام یک کتابند.“

بدین ترتیب، می‌توانیم منبع اشتباه را پیدا کنیم. رجم الشیطان، دیگر در میان نیست. باز هم جنبه متناقض و شهره آن، ذکرش را لازم ساخت.

تذکره‌الاحوال

این اثر به نام «سوانح عمری شیخ علی حزین» معروف است، شرح زندگی حزین به قلم خود او، از زاد روزش در ۱۱۰۳ هجری گرفته تا تاریخ تصنیفش در سال ۱۱۵۴ هجری. حزین آن را به سن ۵۱ سالگی در دهلی نوشت. وی در تذکره‌الاحوال^۱ می‌گوید که هنگام تصنیف این تذکره ۵۳ ساله بود. این سهو را ریثو^۲ تکرار کرده است. اگر با نظر انتقادی بنگریم، بیان حزین غلط به نظر می‌رسد؛ زیرا در سال ۱۱۵۴ هجری وی نمی‌توانست بیش از ۵۱ ساله بوده باشد؛ چون در سال ۱۱۰۳ هجری به دنیا آمده بود. حزین پنج شش تصنیفش را در دو شب^۳ به اتمام رساند. به رغم ادبیاتی که به سرپرستی امپراتوران گورکانی به ظهور رسید، تذکره‌الاحوال به شیوه صاف و ساده نوشته شده است.^۴ تذکره‌الاحوال محتوی حکایات شخصی و تاریخی و مشاهدات عالی راجع به مردم و آداب‌شان، علاوه بر بیان جالب سفرها و نظریاتش درباره آثار ادبی است.^۵

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره‌الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۴۳.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره‌الاحوال، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره‌الاحوال، چاپ بمبئی، ص ۱۱۹، می‌گوید: «روز و شب».

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره‌الاحوال، ترجمه ام. سی. ماستر، چاپ بمبئی، ۱۹۱۱ م، ص ۴.

۵. همان، ص ۷.

”گزارشی دربارهٔ دانشوران و دانشمندان - که بسیاری از ایشان در دوران محاصرهٔ اصفهان در سال ۱۱۳۵ هجری هلاک شدند و با ایشان آشنایی داشت - یکی از جوانب پرارزش این کتاب است“^۱.

اطلاعات گرانبها و مفصلی دربارهٔ وقایع تاریخ معاصر فراهم آورده است که در آثار دیگر به ندرت یافت می‌شود و قسمتی از کتاب مربوط به آخر عهد صفوی و اوج نادر شاه است و اطلاعات دست اولی راجع به حملهٔ افغانها و تسخیر اصفهان در سال ۱۱۳۵ هجری دارد.

کتاب مذکور مخصوصاً از این نظر با ارزش است که نویسنده‌اش از شعرای درباری نیست که عموماً حقایق را مسخ می‌کنند. ف.س. بلفور^۲ تذکرة الاحوال را با ترجمهٔ انگلیسی‌اش منتشر کرده است. ترجمهٔ انگلیسی دیگری را ماستر، تحت عنوان ذیل منتشر نموده است:

The Translation of the Tarikh-e-Ahwal of Mowlana Mohammad Shaykh Ali Hazin^۳

ترجمهٔ مذکور ناتمام است و با سرپیچی حزین از ازدواج، بعد از سعی عقیمی برای زیارت حج به پایان می‌رسد.

تذکرة المعاصرین^۴

چنانکه از نامش پیداست تذکرة شعرای معاصر حزین است که در هند در سال ۱۱۶۵ هجری در عرض نُه روز تألیف شد.^۵ مؤلفش علی حزین خواست که فقط شرح زندگی

1. Browne, E.G: *A Literary History of Persia*, Vol. IV, p.381.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمهٔ ف.س. بلفور، چاپ لندن، ۱۸۳۰ م.

3. *The translation of the Tarikh-e-Ahwal of Mowlana Mohammad Shaykh Ali Hazin* by M.C. Master, 1911.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپ سنگی‌اش در چاپخانهٔ نولکشور لکهنو، همراه با کلیات حزین شده است.

۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپخانهٔ نولکشور، لکهنو، ص ۱۰۲۵.

و شعر رفقای شیعه و معاصران خود را درج کند؛ بنابراین تذکره‌اش را از تاریخ تولدش آغاز کرد.^۱

این اثر شامل ترجمه احوال صد شاعر معاصر حزین است که وی با اغلب آنان ملاقات داشت و اشعارشان را در حافظه‌اش یادداشت کرده بود.^۲ اگر تذکره‌المعاصرین نبود با عده‌ی کثیری از شاعران ایرانی آشنا نمی‌شدیم که از ۱۱۰۳ تا ۱۱۶۵ هجری زندگی کرده‌اند و تاریخ ادبیات ایران اینقدر سرشار نبود.

تذکره‌المعاصرین دو بخش است قسمت اول محتوی بیست تذکره‌ی علمایی است که شعر می‌گفتند؛ قسمت دوم دارای هشتاد تذکره‌ی شعرای پیشه‌ور است.

حزین می‌گوید که وی تذکره‌المعاصرین را به خاطر انحراف خاطرش از غم و اندوه تبعید تألیف کرده است.^۳ صفحه آخر نسخه خطی بانکی پور^۴ مورخ بیست و سوم جمادی‌الاولی ۱۱۷۸ هجری می‌باشد که به قلم برکت الله نقل شده است.

خلاصه باید اعتراف نمود که شیخ محمد علی حزین لاهیجانی از جمله شاعران و نویسندگان بلند پایه‌ای است که کمیاب و کم‌نظیر هستند. چون وی در ایران پا به عرصه وجود گذاشت و سپس به هند مهاجرت کرد، یکی از مشاهیر مشترک ایران و هند نیز می‌گردد. حزین با آثار منظوم و منثور بی‌شمارش، ادبیات فارسی را غنی و سرشار ساخته است.

منابع

۱. آروی، مجله نگار، شماره فوریه ۱۹۳۰ م.
۲. آزاد بلگرامی، میر غلام علی: خزانه عامره، کانپور، ۱۸۷۱ م.
۳. آزاد دهلوی، شمس‌العلماء مولانا محمد حسین: نگارستان فارس، عاکف بکدپو، دهلی، ۱۹۹۲ م.

۱. همان، ص ۹۳۳.

2. Browne, E.G: *A Literary History of Persia*, Vol. IV, p.381.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره‌المعاصرین، چاپخانه نولکشور، لکهنو، ص ۹۳۸.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره‌المعاصرین (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، ورق ۷۶ ب، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.

۴. آفاق: تذکره حزین.
۵. احمد کلکته‌ای، مولوی احمد علی بن آغا شجاعت علی: هفت آسمان (نسخه خطی)، انجمن آسیایی بنگال.
۶. افتخار بخاری دولت‌آبادی، سید عبدالوهاب: تذکره افتخارالشعرا (نسخه خطی)، شماره ۵۱/۲۷، گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر.
۷. افسوس خوافی، میر شیر علی: آرایش محفل، تصحیح سید حیدر بخش حیدری، چاپ کلکته.
۸. توماس ویلیام بیل: مفتاح التواریخ (تألیف: ۱۲۶۴ هـ)، کانپور، ۱۲۸۴ هـ/۱۸۶۷ م.
۹. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ بمبئی.
۱۰. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ لکهنو.
۱۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۱.
۱۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، ترجمه ام.سی. ماستر (مقدمه)، بمبئی ۱۹۱۱ م.
۱۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، ترجمه ام.سی. ماستر، ۱۹۱۱ م.
(*The translation of the Tarik-e-Ahwal of Mowlana Mohammad Shaykh Ali Hazin by M.C. Master, 1911*).
۱۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، ترجمه ف.س. بلفور، چاپ لندن، ۱۸۳۰ م.
۱۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره العاشقین (مثنوی) (نسخه خطی)، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۲.
۱۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره المعاصرین (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، بانک پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۱۷. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره المعاصرین، چاپخانه نولکشور لکهنو.
۱۸. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره المعاصرین، چاپ سنگی آن در چاپخانه نولکشور لکهنو، همراه با کلیات حزین شده است.

۱۹. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: چمن و انجمن (نسخه خطی)، شماره ۱۵۴، کتابخانه آصفیه، حیدرآباد.
۲۰. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: دیوان حزین (نسخه خطی)، مرتبه عبدالسلام، شماره ۱۰۳-۸۶۶، کتابخانه لیتون.
۲۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: رقعات حزین (نسخه خطی)، شماره ۲۰، قسمت سوم، دانشگاه پنجاب.
۲۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: صغیر دل (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۲۹۹، انجمن آسیایی بنگال، جلد دوم.
۲۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، چاپ لکهنو.
۲۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: مثنویات حزین در مجموعه خوبی به نام «مثنویات من جمله حزین» (نسخه خطی)، شماره ۱۲۴، کتابخانه کالج کینگ.
۲۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعه البدیعه (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۳۴/۳، ورق ۶۶۳ الف، گنجینه حبیب گنج دانشگاه اسلامی علیگر.
۲۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعه البدیعه (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۲۷. حسینی سنبهلی مرادآبادی، محمد حسین دوست: تذکره حسینی، لکهنو، ۱۸۷۵ م.
۲۸. شاهنواز خان، عبدالرحمن هاشمی بنبانی دهلوی: مرآت آفتاب نما (نسخه خطی)، شماره ۳-۳۲، مجموعه فارسی گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر.
۲۹. شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو.
۳۰. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (نسخه خطی)، شماره ۲۰۲۱، آرشیو ملی هند، دهلی نو.
۳۱. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (نسخه خطی)، شماره ۷۱۶، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۳۲. عبداللطیف شوشتری، سید عبداللطیف بن ابی طالب: تحفة العالم.
۳۳. عشرت هندی، ڈرگا داس: سفینه عشرت (نسخه خطی)، شماره ۶۹۹، گنجینه بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.

۳۴. مصحفی همدانی امروهوی، شیخ غلام: عقد ثریا، تصحیح مولوی عبدالحق (علیگ)، جامع برقی پریس، دهلی، ۱۹۳۴ م.
۳۵. نجم پنه‌ای، محمد رضا بن ابوالقاسم طباطبا: نغمه‌ عن‌دلیب (نسخه خطی)، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۳.
۳۶. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض‌الشعرا (نسخه خطی) مرتبه عبدالسلام، شماره ۶۹۳، گنجینه بانکی‌پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۳۷. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان: مخزن‌الغرایب (نسخه خطی)، شماره ۵۴۷، ورق ۲۶۲ الف، کتابخانه‌های پادشاهان اوده، کلکته.
۳۸. هدایت طبرستانی، رضا قلی خان ولد آقا هادی (م: ۱۲۸۸ ه): مجمع‌الفصحا.
۳۹. هندی لکهنوی، بهگوان داس: سفینه هندی، نسخه خطی، شماره ۷۱۵، گنجینه بانکی‌پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۴۰. مجله مخزن، چاپ بمبئی.
۴۱. مجله مخزن، لاهور، شماره ژوئی ۱۹۰۹ م.
42. Browne, E.G.: *A Literary History of Persia*, Vol. IV, p.381.